


This file has been cleaned of potential threats.

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.



Recognition of Design Process of Interior Architecture*

 Amin Rafati¹

 Nadiéh Imani²

Received Date: 12 November, 2024

Accepted Date: 31 December, 2024

Abstract

Design process as a complicated subject, with so many different aspects and interpretations, has been discussed among thinkers and everyone has tried to propose their own views of design process. The design process is sometimes presented with a general view of design and sometimes with a specialized view in various fields such as architectural design, interior architecture, industrial design & etc. to avoid mistakes, the “general view” provides a comprehensive and general definition of the design process. The “specialized view” belongs mostly to thinkers in specialized disciplines and professional designers who offer practical definitions that meet the requirements of their field. Design process of “interior architecture” over the past few decades has usually been retrieved from “architectural” design process. But “interior architecture” can have a different design process due to fundamental differences with “architecture. Therefore, trying to recognition of design process of “interior architecture” is the core topic of this research and we are answering the question of “what is the relation of design process in architecture and interior architecture?” The purpose of this research is to know the role of problem solving and design thinking in interior architecture and its relationship with the architectural design process in moments of overlap and separation. For this purpose, at first, the phases of the design process were examined in general, and the general map of design process in architecture and interior architecture was obtained with many similarities. In the second stage, the differences between “architecture” and “interior architecture” in the general map of the design process showed that the “overlaps” and “distinctions” appear as “convergence” and “divergence”. In the third stage, by analyzing each of the phases and steps of the design process in “architecture” and “interior architecture”, we found examples of content differences and divergence of the design process. The differences were in the “design subject”, “problem definition methods”, “aspects of problem-seeking”, “the ways of Problem solving” and “design language”. In this way, we become aware of the basics of the difference between the content of the interior design process and the architectural design process.

Keywords: Design Process, Design Methodology, Design Studies, Research for Design, Interior Architecture

1. A in Interior Architecture, School of Architecture and Urban Planning, Iran University of Art, Tehran, Iran.

Email: amin_rf@yahoo.com

2. Associate Professor, School of Architecture and Urban Planning, Iran University of Art, Tehran, Iran.

*This article is extracted from the first author’s master dissertation of interior architecture, entitled: “Recognition of Design Process of Interior Architecture”, which has done under the supervision of the second author and advisory of Dr. Abdolreza Mohseni at the School of Architecture and Urban Design, Iran University of Art.



بازشناسی فرآیند طراحی در معماری داخلی*

امین رفعتی^۱

نادیه ایمانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

چکیده

فرآیند طراحی به عنوان موضوعی گسترده و دارای جنبه‌ها، معانی و تفاسیر گوناگون همواره مورد بحث و تبادل نظر اندیش‌مندان این حوزه بوده است و هریک سعی در ارائه نظریات گوناگون برای فرآیند طراحی از دیدگاه خود داشته‌اند. جایگاه فرآیند «طراحی داخلی» طی چند دهه گذشته معمولاً برگرفته از فرآیند «طراحی معماری» دیده شده است. اما «معماری داخلی» به دلیل تمایزات ساختاری با «معماری»، می‌تواند فرآیند طراحی متفاوتی داشته باشد. بنابراین می‌توان فرآیند طراحی در معماری داخلی را در مقیاسی متفاوت با معماری تعریف نمود. از این رو بازشناسی فرآیند طراحی در «معماری داخلی»، مسئله مقاله حاضر است. این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش است که «نسبت فرآیند طراحی در معماری و معماری داخلی چیست؟». هدف از این پژوهش آگاهی از نقش مسئله‌یابی و تفکر طراحی در معماری داخلی و پیوند آن با فرآیند طراحی معماری در لحظه‌های همپوشانی و جدایی است. بدین منظور در مرحله نخست فازهای فرآیند طراحی به طور کلی بررسی شده است و شمای کلی طی مسیر در معماری و معماری داخلی با مشابهت‌های بسیار بدست آمده است. در مرحله دوم، تمایزات میان «معماری» و «معماری داخلی» در کلیات فرآیند طراحی نشان داده است که «همپوشانی‌ها» و «تمایزات» معماری و معماری داخلی در فرآیند طراحی به صورت «همگرایی» و «واگرایی» بروز می‌کنند. در مرحله سوم، با بررسی تحلیلی هر کدام از جزء مراحل و گام‌های فرآیند طراحی در «معماری» و «معماری داخلی» مصداق‌هایی از تفاوت‌های محتوایی و مؤلفه‌های واگرایی فرآیند طراحی در این دو یافته شده که این تفاوت‌ها از جنس موضوع طراحی، روش‌های تعریف مسئله، ابعاد یافتن مسئله، راهکارهای حل مسئله و تفاوت زبان طراحی بودند. بدین ترتیب، این پژوهش ارکان تفاوت محتوایی میان فرآیند طراحی داخلی در نسبت با فرآیند طراحی معماری را روشن می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: فرآیند طراحی، روش‌شناسی طراحی، مطالعات طراحی، طراحی پژوهی، معماری داخلی.

۱. کارشناس ارشد معماری داخلی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات). Email: amin_rf@yahoo.com

۲. دانشیار گروه معماری داخلی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری داخلی نگارنده اول با عنوان «بازشناسی فرآیند طراحی در معماری داخلی» است که با راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره دکتر عبدالرضا محسنی در دانشگاه هنر ایران انجام شده است.

مقدمه

فرآیند طراحی که از دهه‌های پیش (حدود سال ۱۹۶۰) در حوزه تئوری مطرح شد، همواره مورد بحث و تبادل نظر اندیشمندان یا طراحان مختلف بوده است. در این میان گاه با نگاهی عام و کلی در دیزاین و گاه با نگاهی تخصصی در رشته‌های مختلف طراحی همچون معماری، معماری داخلی، و طراحی صنعتی مطرح شده است. «نگاه عام» با استناد به تعدد برداشت و امکان تفاوت تعریف دیزاین در جایگاه‌های مختلف، برای پرهیز از خطا به ارائه تعاریفی جامع و کلی از فرآیند طراحی می‌پردازد. «نگاه خاص» بیشتر متعلق به اندیشمندان رشته‌های تخصصی و طراحان راه‌حل‌نگر است که در جست‌جوی ارائه تعاریف کاربردی و پاسخ‌گو به مقتضیات رشته خود هستند. در این میان «معماری داخلی» با وجود جنبه‌های کاربردی خود، به‌عنوان یک تخصص میان‌رشته‌ای با دانش تئوری و دارای ساختار خاص «فرآیند طراحی» مطرح می‌شود.

تلاش جهت بازشناسی ساختار فرآیند طراحی در «معماری داخلی» مسئله‌ی مولّد پژوهش حاضر است. مسئله‌ای که در مسیر رسیدن به پاسخ آن بایستی از دریچه بررسی نسبت آن با ساختار فرآیند طراحی در «معماری» عبور کنیم. چرا که با توجه به نزدیکی اصول و مبانی نظری «معماری» و «معماری داخلی» و همچنین نوظهور بودن معماری داخلی نسبت به معماری، کمتر درباره فرآیند طراحی از زاویه دید معماری داخلی به‌طور مستقل صحبت شده است. به همین منظور در این مقاله در جست‌وجوی پاسخگویی به این پرسش اصلی هستیم که «نسبت فرآیند طراحی در معماری و معماری داخلی چیست؟».

در بخش نخست این پژوهش برای پاسخگویی به این پرسش که «فرآیند طراحی چیست و شامل چه فازها و مراحل می‌شود؟» ابتدا به بررسی و ریشه‌یابی «واژگان و مفاهیم» مرتبط با فرآیند و طراحی می‌پردازیم تا به‌درستی روشن شود که در پی چه هستیم. سپس با مطالعه «پیشینه فرآیند طراحی»، پیدایش و سیر تحول رویکردهای روش‌شناسی را شناخته و با بررسی نمودارها و نظریات مختلف ارائه‌شده در این حوزه، برخی فازها و مراحل فرآیند طراحی را خواهیم یافت؛ تا درنهایت به یک دسته‌بندی از مجموعه فازها و مراحل فرآیند طراحی در قالب «فازبندی فرآیند طراحی» دست‌یابیم.

در بخش دوم در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها هستیم که «مراحل و گام‌های فرآیند طراحی در معماری داخلی چیست؟» و اینکه «آیا روش‌ها و راهبردهای همسانی در فرآیند معماری/معماری داخلی وجود دارد؟». بدین منظور ابتدا به تعریف برخی «واژگان و مفاهیم» مرتبط با معماری داخلی و بررسی «پیشینه» آن می‌پردازیم تا جوانب و ویژگی‌های آنچه در پی‌اش هستیم، به‌درستی روشن شود. سپس برای یافتن «نسبت معماری و معماری داخلی»، در جست‌وجوی همپوشانی‌ها و تمایزات «معماری» و «معماری داخلی» برخورد خواهیم آمد؛ تا درنهایت از دریچه همگرایی‌ها و واگرایی‌ها، فرآیند طراحی در «معماری» و «معماری داخلی» را ببینیم.

در بخش سوم در پی پاسخگویی به این پرسش هستیم که «کدام فعالیت‌ها یا گام‌ها در فرآیند «معماری» / «معماری داخلی» دارای تشابه یا تفاوت هستند؟». به همین منظور برای یافتن جنبه‌ها و مصداق‌های دقیق‌تری از «همگرایی» و «واگرایی» فرآیند طراحی در «معماری» و «معماری داخلی» که در بخش‌های گذشته به آن رسیدیم، هرکدام از فازهای فرآیند طراحی را به‌طور جداگانه بررسی خواهیم نمود. لیکن با توجه به گستردگی موضوع و محدودیت‌های این پژوهش، محدوده این بررسی، مطالعه موردی اولین قسمت فرآیند طراحی شامل مجموعه اقدامات پژوهشی پیش از آغاز طراحی خواهد بود. بر همین اساس ابتدا به بررسی «جایگاه پژوهش در فرآیند طراحی» خواهیم پرداخت؛ سپس «گام‌های پژوهش در فرآیند طراحی» را به‌صورت ریزبینانه و با نگاهی تحلیلی و تطبیقی میان فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» مورد مطالعه و بررسی قرار خواهیم داد.

پیشینه فرآیند طراحی

فرآیند طراحی به عنوان موضوعی پیچیده، گسترده و دارای جنبه‌ها، معانی و تفاسیر گوناگون همواره مورد بحث

و تبادل نظر اندیشمندان مختلف بوده است و هریک سعی در ارائه نظریات و نمودارهایی برای فرآیند از دیدگاه خود داشته‌اند. جورجیو واساری در قرن شانزدهم میلادی این اصل را پایه‌ریزی نمود که وجود هر هنری، مرهون طرح‌ریزی یا طراحی است که وی آن را «دسینو» نامید. مفهومی دوجبه‌ی که خود در آن زمان در دو قالب «دسینو ایترو» به‌عنوان مفهومی که از کار هنری پدیدار می‌شود (مانند طرح یا نقش) و «دسینو اکسترنو» به‌عنوان اثر کامل هنر (مانند نقاشی یا مجسمه‌سازی) شناخته می‌شد. (Kruft, 1994, 97) بعدها دوگانگی معنایی دیگری مبنی بر ذهنی و عینی بودن مفهوم طراحی نیز مطرح شد. افرادی همچون سلینی و فدریکو زوکاری تحت دو واژه «طراحی مقدماتی» به‌عنوان توانایی فکری طراحی درون خود فرد و «طراحی ثانویه» به‌عنوان هر چیز قابل نمایش به کمک نقطه، خط و صفحه یا اجرای عملی تصورات از آن صحبت کردند. (Ganshirt, 2007, 45-46)

واژه «فرآیند» مستقل از بار معنایی که در کنار مفهوم «طراحی» می‌یابد، در فرهنگ آکسفورد مستخرج از واژه لاتین «پروسیجر» معادل با یک عمل ادامه‌دار شامل «مجموعه از اقدامات یا گام‌ها» برای رسیدن به یک پایان بخصوص تعریف می‌شود. عملی که به‌عنوان یک فعل طراحانه، شاید برای اولین بار توسط کریستوفر الکساندر در کتاب وی با نام «یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم» در سال ۱۹۶۴ مطرح شد. وی معتقد بود که طراحی از برنامه طرح حاصل می‌شود. تا زمانی که یک نظم برنامه‌ریزی شده در ذهن و اعمال طراح وجود نداشته باشد، «نظم» فیزیکی غیرقابل دستیابی است و برای این که ممکن شود، طراح باید به‌نوبه خود مسئله طراحی‌اش را به ریشه‌های عملکردی ابتدایی آن موضوع ارتباط دهد و بتواند «ترتیبی از الگوها» در آن بیابد. (Alexander, 1971, 15-16). بعدها واژگانی مشابه «مجموعه اقدامات، گام‌ها»، «نظم» و «ترتیب الگوها» بازم به شکلی دیگر توسط دیگران مطرح و تکرار می‌شود. مثلاً گانشرت فرآیند را رویکردی گام‌به‌گام، روشمند و منطقی با رویه‌های معین در چارچوب مشخصی از قوانین یا سلسله‌مراتبی از اشکال مختلف اقدامات معرفی می‌کند. (Ganshirt, 2007, 65-66) لاوسن نیز معتقد است اندیشه مشترکی که در پس همه این تعاریف وجود دارد این است که فرآیند طراحی مشتمل بر زنجیره‌ای از فعالیت‌های روشن و قابل تشخیص است که به ترتیب منطقی، پیش‌بینی‌پذیر و مشخص رخ می‌دهند. (Lawson, 2006, 33)

هنگامی که در جست‌وجوی ارائه تعریفی جامع از فرآیند طراحی باشیم، درمی‌یابیم که تعریف طراحی ممکن است از منظر تخصص‌های گوناگون متفاوت باشد. چراکه متخصصین هر رشته اصول و معیارهای سنجش گوناگونی دارند. برای مثال ماچت که از پس‌زمینه مهندسی برخوردار است، در کتاب خود تحت عنوان «کنترل ذهن در طراحی خلاق» طراحی را راه‌حل بهینه برای مجموعه‌ای از نیازهای واقعی در موقعیتی خاص تعریف می‌کند که بیشتر نزدیک به فکر یک مهندس است تا طراح داخلی. یک معمار ممکن است طراحی را به‌عنوان عمل ارتباط‌دهی ساختمان با بستر شهری تصور کند، درحالی که یک طراح صنعتی، شیء تولیدشده را هدف نهایی خود می‌داند. (Lawson, 2006, 32) طراحان داخلی نیز طراحی را فضای داخلی می‌دانند به‌نحوی که نیازهای زیبایی‌شناسانه، عملکردی، خواسته‌ها و تمایلات کاربر و کارفرما را دنبال کند. (Poldma, 2009, 36) البته برخی نظرها سعی در قبولاندن این موضوع دارند که تفاوت‌ها اهمیت زیادی ندارند. مثلاً گرگری در کتابش در مورد روش‌شناسی طراحی ابراز کرده است: فرآیند طراحی یکی است، خواه مربوط به طرح یک پالایشگاه نفت یا ساختمان یک کلیسا و یا نگارش کمدی الهی دانته باشد. (Lawson, 2006, 32-33)

تفاوت نظرها ارائه یک تعریف واحد از فرآیند را دشوار می‌کند اما وجود راه موفق برای طراحی را منکر نمی‌شود. «مجموعه اقدامات، گام‌ها»، «نظم» و «ترتیب الگوها» واژگان مشترک بیشتر نظریات فرآیند طراحی هستند. در سال‌های اخیر در مورد روش‌شناسی و فرآیند طراحی در زمینه‌های گوناگون بسیار صحبت شده؛ که پرداختن به همه آن‌ها دشوار و غیرممکن است. در این میان تنها به بررسی آرای نظریه‌پردازانی اکتفا شده که ایده‌ها و نگاه‌های متفاوتی در میان آن طیف گسترده داشته‌اند. (شکل ۱)



شکل ۱. نمودار نظریات بررسی شده پیرامون فرآیند طراحی به ترتیب زمان منبع: نگارندگان

هر یک از این نظریات پیرامون فرآیند طراحی، چه از نگاه معماری و چه معماری داخلی، ضمن ارائه مجموعه ای از فازهای فرآیند به ارائه اطلاعات مفیدی درباره چپستی و محتوای آن فاز می پردازند. جهت حصول یک نتیجه مشخص، در قدم اول بایستی نمودارهای گوناگون ارائه شده در کنار یکدیگر قرار داده شده و مقایسه شوند؛ تا میزان شباهت ها و تفاوت ها سنجیده شود. به همین منظور یک جدول مقایسه ای تهیه شده و مراحل با محتوای همسان یا مشابه در کنار یکدیگر واقع شده اند تا امکان مقایسه یک به یک مهیا شود. (جدول ۱)

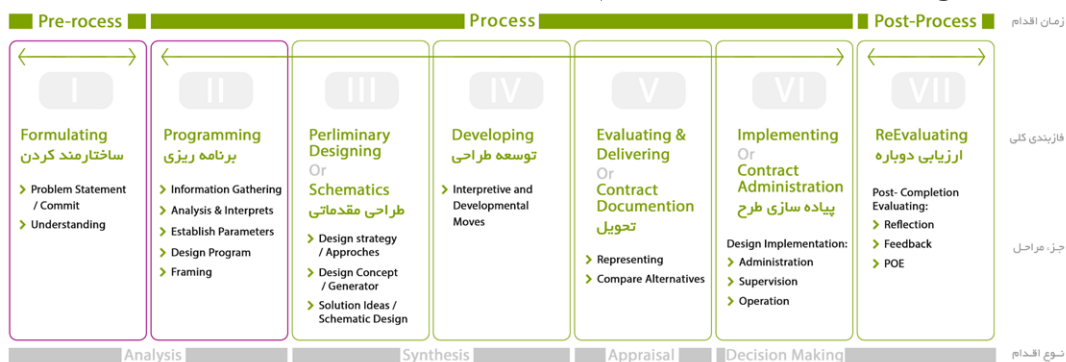
فازهای واقع شده در یک سطر جدول بنا بر چپستی و اتفاقاتی که در هرکدام از مراحل جزئی تر آن به وقوع می پیوندد، محتوای مشابهی داشته و می توان آن ها را همسان تلقی نمود. برای مثال زایسل فازهای اصلی فرآیند طراحی معماری را «برنامه ریزی»، «طراحی مقدماتی»، «طراحی نهایی»، «تهیه مدارک فنی» و «نظارت بر ساخت» برمی شمرد. (Zeisel, 2006, 19-21) پابل نیز فازهای فرآیند طراحی معماری داخلی را «برنامه ریزی»، «بسط کانسپت طراحی»، «توسعه طراحی»، «اجرایی کردن طراحی»، «نظارت بر پروژه» ذکر می کند. (Pile, 2007, 133) این فازها متناظر و مشابه محتوای مرحله ای است که افرادی همچون پولدما، ادواردز و ... نیز ذکر کرده اند، با این تفاوت که مثلاً برای یک فاز مشابه واژگان گوناگونی همچون «طراحی مقدماتی»، «کانسپت دیزاین»، «پیش طراحی»، «تولید ایده های ابتدایی» یا «یافتن ایده های مولد» استفاده شده است. (Poldma, 2009, 31) و (Edwards, 2011, 71-72) البته برخی فازهای استفاده شده در نمودارها، جامع تر بوده و ممکن است چند فاز مربوط به نمودار دیگر را پوشش دهند.

همان طور که مشاهده می شود علیرغم وجود اصطلاحات متعدد یا عناوین گوناگون برای هر فاز، یا دید تلفیقی به برخی مراحل، فازبندی فرآیند طراحی از حیث محتوایی بسیار نزدیک بوده و از نظر تقسیم بندی و شمای کلی مشابه است. در واقع از منظر فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» در این مقیاس کلی، تفاوت اساسی دیده نمی شود.

جدول ۱. مقایسه یک به یک فازهای طراحی در برخی نمودارها و نظریات گوناگون
منبع: نگارندگان^۲

RIBA	Morris & Meier	Jane Dorke	Bryan Lawson / Jobs	Harris, Ballston & Schemis	Kobay & Bagrad	Ellen Scholes	Kilmer	Pholowest & Rogers	Keller	Ching & Briggert	John Zeisel	John Pile	Tiu Poldma	Balast	Clive Edwards
Architecture	Architecture	Architecture	Architecture	Architecture	Architecture	Architecture	Interior Design	Interior Design	Interior Design	Architecture	Interior Design	Interior Design	Interior Design	Interior Design	Interior Design
1954	1954	1954	1954	1954	1954	1954	1954	1954	1954	1954	1954	1954	1954	1954	1954
Assimilation	Problem Identification	Accept situation	Planning	commit	Problem Statement	...	Project Beginning	Pre-Process	Pre-Contract	Formulating
Research / Analysis	Information Gathering	Research & Programming
Establish the Context
Establish the Parameter
Design Approaches
Problem Solving
Design Concepts
Design Development
Design Development
Construction Document
Project Administration
Design Implementation
Project Completion
Post-Design Process
Post-Project
Post-Design
Project Closeout

بنابراین می توان گفت فازبندی فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» در تقسیم بندی و شمای کلی بسیار نزدیک بوده و در این مقیاس کلی، تفاوت اساسی آشکار نمی شود (الگوی عمومی فرآیند یکسان است). با توجه به این نتیجه باید به طور جزءنگرانه تری در اتفاقات و فعل و انفعالات طراحانه ای که در هر کدام از این فازها یا جزء مراحل به وقوع می پیوندد به دنبال تفاوت ها باشیم.



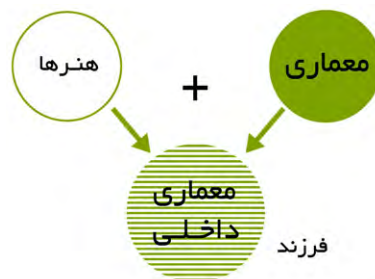
شکل ۲. یک شمای کلی از الگوی عمومی فرآیند طراحی
منبع: نگارندگان^۲

معماری داخلی

مجموعه ای متنوع از فعالیت ها و دیدگاه های مرتبط با فضای داخلی از پروژه های بزرگ مقیاس معماری داخلی گرفته تا طراحی داخلی و همچنین دکوراسیون داخلی زیر چتر واژه «معماری داخلی» جمع می شوند. (Edwards, 2011, 2012) جایی که حفاصل بین دو رشته «معماری» و «طراحی صنعتی» است. همان طور که پولدما می گوید طراحان داخلی خدمات طراحی ویژه ای برای فضاهای داخلی ارائه می کنند که مردم و اشیاء را همزمان مدنظر قرار می دهد. به عبارتی میان کاربر و راه های بهینه برای رخ دادن فعالیت های او به کمک عوامل مؤثر فضایی در یک محیط محدود شده ارتباط برقرار می کنند. (Poldma, 2009, 164 & 187)

هنگامی که در جست و جوی مصادیق تعاریف و خدمات معماری داخلی به تاریخ رجوع می کنیم، درمی یابیم که این دست خدمات قدمتی طولانی تر از عمر واژگانی مانند «طراحی داخلی» و «دکوراسیون داخلی» دارند؛ پیش از آنکه «انجمن های صنفی»، «نهادهای مجوز دهی» و «جوامع آکادمیک» این حرفه پدید بیایند. در طول تاریخ همواره افراد مختلفی از جمله معماران، هنرمندان، صنعتگران و خرده فروشان، دغدغه کیفیت فضاهای داخلی را داشته اند

و هر یک به‌نوعی به ارائه خدمات برای فضاهای داخلی پرداخته‌اند. (Binggeli, 2007, 6-7) «معماری داخلی» به شکل امروزی آن، حاصل درهم‌آمیختگی «معماری» و «هنرها» و نیز تأثیرات بسیاری از علوم دیگر در طول تاریخ بوده است. معماری داخلی احتمالاً به‌عنوان فرزند هنرها و معماری آغاز شده است؛ اما شروع این اتفاق مربوط به بیش از هزاران سال قبل می‌شود. (Knackstadt, 1995, 73) بنابراین طبیعی است که معماری داخلی به عنوان یکی از نوادگان معماری، برخی از اصول و ویژگی‌های خود را از آن به ارث برده باشد. همین مسئله مؤید وجود همپوشانی‌هایی میان «معماری» و «معماری داخلی» است. این همپوشانی‌ها که تمایز قائل شدن میان این دو را نیازمند دقت نظری بیشتری کرده است. (شکل ۳)



شکل ۳. معماری داخلی حامل برخی ویژگی‌های والد خود (وجود همپوشانی)
منبع: نگارندگان

«معماری» و «معماری داخلی» هر دو در میانه طیف طراحی قرار می‌گیرند؛ هم تفکر نظام‌دار و هم بی‌نظم را می‌طلبند و به هر دو اندیشه تخیلی و محاسبات، نیاز دارند. این ایجاب می‌کند که طراح محصولی زیبا و همچنین سودمند و با کارکرد درست به وجود آورد. (Lawson, 2006, 4) از سوی دیگر موضوع طراحی چه یک محصول، چه یک محیط، چه یک ساختمان یا فضای داخلی باشد، برای مردم طراحی می‌شود. (Poldma, 2009, xv) «معماری» و «معماری داخلی» هر دو برای تضمین موفقیت در مسیر رسیدن به هدف مشترکی که حل یک مسئله است، نیازمند استفاده از فرآیندهای طراحی هستند؛ فرآیندهایی که طبق بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش در فازبندی و مرحله‌بندی کلی شباهت بسیاری با یکدیگر داشتند. (شکل ۴)

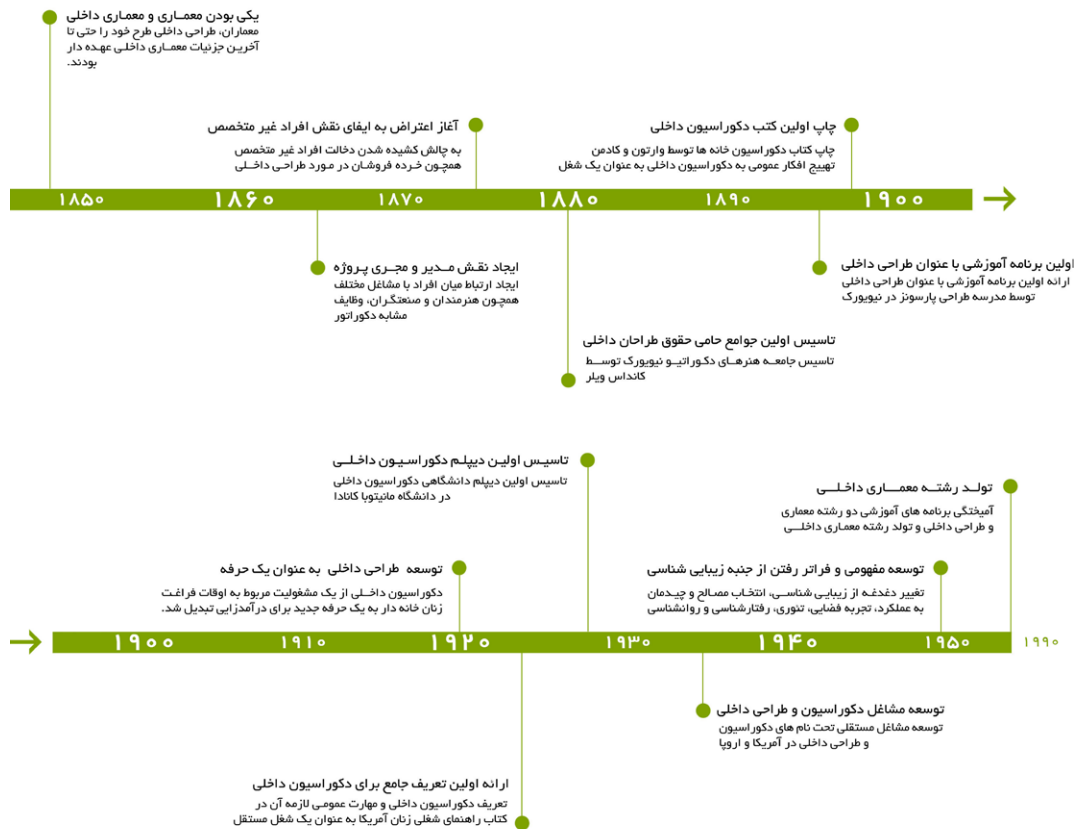


شکل ۴. برخی از مهم‌ترین اشتراکات و همپوشانی‌های «معماری» و «معماری داخلی»
منبع: نگارندگان

از اوایل قرن هجدهم با ایجاد تمایز بین تجارت و حرفه، برخی اصلاح‌طلبان ایفای نقش فروشندگان محصولات دکوراتیو به‌عنوان افراد نظر دهنده در طراحی محیط‌های داخلی را به چالش کشیدند. افرادی مانند کریستوفر درسر متذکر شدند که دکوراسیون داخلی یک حرفه مبتنی بر مهارت و تخصص است و مانند بسیاری از رشته‌های دیگر همچون پزشکی، سایر افراد غیرمتخصص حق اظهارنظر در این زمینه را ندارند. (Dresser, 1977, 39) در سال ۱۸۷۷ یکی از اولین جوامع مدافع حقوق طراحان داخلی به نام جامعه هنرهای دکوراتیو در آمریکا شکل گرفت. که بعدها منجر به ارائه مجوز، صدور پروانه کار و اعطای گواهی تأیید صلاحیت به متخصصان این حوزه

و معرفی معماری داخلی به عنوان یک حرفه تخصصی و تفکیک شده از معماری شد. به همین ترتیب در سال‌های ابتدایی قرن بیستم نه تنها در آمریکا، بلکه در کشورهای اروپایی مثل فرانسه و انگلیس به تدریج مشاغل حرفه‌ای و تخصصی مرتبط با معماری داخلی ظهور کردند. (Edwards, 2011, 53-59) در حقیقت طی تحولات سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ (پس از جنگ جهانی دوم) دغدغه‌ای که تنها محدود به جنبه‌های زیبایی‌شناسی، انتخاب مصالح و چیدمان داخل یک ساختمان بود، به محدوده وسیع‌تری از دغدغه‌ها و وظایف شامل عملکرد، تجربه فضایی، تئوری، رفتارشناسی و روانشناسی کاربران فضا، تغییر کرد و معماری داخلی به شکل امروزی و آنگونه که امروز مطرح است به وجود آمد. (Whitney, 2008, 42) (شکل ۵)

امروزه «معماری» و «معماری داخلی» علیرغم تمام شباهت‌ها و اشتراکات، دو رشته و حرفه مجزا تلقی می‌شوند. هر یک برنامه آموزشی مجزایی داشته و به اشکال مختلف و تحت قوانین متفاوتی توسط نهادها و جوامع حرفه‌ای پشتیبانی می‌شوند. بيو هاروود پس از بررسی و مقایسه سرفصل آموزشی «معماری» و «معماری داخلی» در دانشگاه‌های مختلف می‌نویسد به دلیل تفاوت ماهیت «معماری» و «معماری داخلی» میان محتوا و عمق جزئیات ارائه‌شده در این دوره‌ها تفاوت اساسی وجود دارد. (Harwood, 1991, 5-18) کریستال و یور نیز مقایسه مشابهی بین برنامه آموزشی ارائه‌شده توسط انجمن اعتبارسنجی آموزشی طراحی داخلی و انجمن ملی اعتبارسنجی آموزشی معماری انجام داد و نتیجه گرفت اگرچه این دو در فرآیند برنامه آموزشی مشابه هستند اما مقایسه محتوای آن‌ها به دلیل تفاوت عمیقی که دارند، مثل مقایسه سیب و پرتغال خواهد بود. (Whitney, 2008, 70)



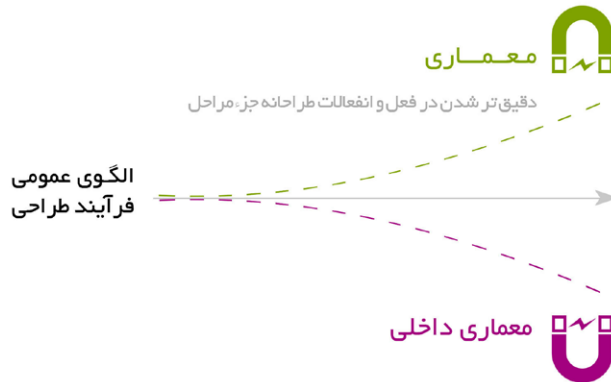
شکل ۵. سیر تحول تدریجی و تفکیک «معماری داخلی» از «معماری» از قرن ۱۹ تا ۲۰

منبع: نگارندگان^۲

علاوه بر تفاوت‌های محتوایی و ماهیتی از نظر تئوری میان «معماری» و «معماری داخلی»، مثال‌های کاربردی دیگری نیز در تایید تفاوت‌های میان این دو به چشم می‌خورد. مثلاً هنگام طراحی، احتمال اینکه معمار به جزئیات دقیق قفسه‌ها و در کمد‌ها بپردازد کمتر وجود دارد؛ ممکن است درباره نوع

و جهت بازشو کمدها فکریایی بشود؛ ولی حتی این نیز معمولاً حیاتی نیست. اما برای یک طراح داخلی مسائلی همچون ارتفاع قفسه ها، نوع و ابعاد لت درها و نحوه باز شدن آن‌ها در فضایی محدود از اهمیت بالایی برخوردار است. در واقع تفاوت در مسئله طراحی و سطح جزئیات باعث شده آنچه برای یک معمار معمولاً جزئی به نظر می‌رسد، برای معمار داخلی جنبه محوری داشته باشد یا برعکس. (Lawson, 2006, 54-55)

نتایج حاصله از مقایسه و مطالعه الگوی عمومی فرآیند طراحی نشان می‌داد که تفاوت فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» در فازبندی و مرحله‌بندی کلی آن اتفاق نمی‌افتد و اگر تفاوتی وجود داشته باشد، باید به‌طور جزئی‌نگرانه‌تری در اتفاقات و فعل و انفعالات طراحی‌ها که در هر کدام از این فازها یا جزء مراحل به وقوع می‌پیوندد به دنبال آن بود. از سوی دیگر علیرغم شباهت ظاهری فرآیند و همپوشانی‌های میان معماری و معماری داخلی، تفاوت‌ها و تمایزات عمیقی نیز بین «معماری» و «معماری داخلی» یافتیم. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت همپوشانی‌ها و تمایزات «معماری» و «معماری داخلی» در فرآیند طراحی به‌صورت «همگرایی» و «واگرایی» بروز می‌کنند. لذا با توجه به نقش محوری فرآیند طراحی در رسیدن به یک راه‌حل صحیح طراحی، مشخص شدن جنبه‌های دقیق‌تری از این همگرایی و واگرایی در فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» ضروری می‌نماید. (شکل ۶)



شکل ۶. بروز همگرایی و واگرایی میان فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی»
منبع: نگارندگان

برای یافتن جنبه‌ها و مصداق‌های دقیق‌تری از این «همگرایی» و «واگرایی» فرآیند طراحی در «معماری» و «معماری داخلی» نیاز به یافتن و گزینش مؤلفه‌هایی است که به ما امکان مقایسه از زاویه دید آن‌ها را بدهد. چه معماری و چه معماری داخلی از طریق یک فرآیند در پی حل یک مسئله مشخص هستند اما فضای معماری داخلی توسط محدودیت‌های فیزیکی مربوط به یک ساختمان یا مکان بخصوص تعریف و از محدوده کار معماری تفکیک می‌شود. می‌شود. (Poldma, 2009, 164) بنابراین معمار و معماری داخلی ممکن است با «سوژه‌های»^۵ متفاوتی مواجه شوند که باید به‌درستی تدقیق و تعریف شوند.

از سوی دیگر یک مسئله واحد طراحی از دید افراد مختلف در حوزه‌های گوناگون به شکل‌های متفاوتی تجربه می‌شود. در واقع در هر یک از این حوزه‌ها، معنی آنچه سوژه فرآیند طراحی را تشکیل می‌دهد تفاوت می‌کند و قالب نیازها، شرایط و زمینه‌های ویژه موجود حرفه^۶ را می‌گیرد. (Poldma, 2009, xv- xvi)

از سوی دیگر یک مسئله واحد طراحی از دید افراد مختلف در حوزه‌های گوناگون از معماری گرفته تا مهندسی و هنر به شکل‌های متفاوتی تجربه می‌شود. در واقع حتی یک مسئله واحد به شکل‌های مختلفی قابل فهم، استفاده و متناسب‌سازی است و در هر یک از این حوزه‌ها، معنی آنچه سوژه فرآیند طراحی را تشکیل می‌دهد تفاوت می‌کند و قالب نیازها، شرایط و زمینه‌های ویژه موجود حرفه را می‌گیرد. (Poldma, 2009, xv- xvi)

تخصص‌های گوناگون در برخورد با یک پروژه، از «جنبه‌های»^۷ متفاوتی به یک سوژه نگاه می‌کنند. برای مثال معماران داخلی نیازهای مردم را درک می‌کنند و حضور انسان در فضا و جنبه‌های اساسی‌تر حسی فضا را در نظر می‌گیرند. این دانسته‌ها بر پایه دانش ویژه‌ای است که معماران داخلی در طول کار یا ضمن آشنایی با عمومی

همچون طراحی صنعتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و رشته‌های دیگر بدست می‌آورند. بنابراین اگرچه معماران داخلی همچون معماران در طراحی با ساختمان‌ها سروکار دارند، اما مقیاس و حدود نیازهای انسانی متفاوت می‌شود. معماران بیشتر با ساختمان و اینکه چگونه با بستر بزرگ‌تر شهری در تعامل قرار می‌گیرد، درگیر هستند. درحالی‌که معماران داخلی به‌طور پیوسته با رابطه انسان، اشیاء و فضا سروکار دارند. دغدغه معماران داخلی جزئیات فضا، هماهنگی فضا و بستر آن با مردم و چگونگی هماهنگی فضا و اجزای آن با نیازهای اساسی‌تر است. معماران داخلی نگاه ویژه‌ای در مورد مقیاس‌های بسیار کوچک، نیازهای خصوصی و چگونگی برآوردن نیازها توسط یک طرح پیشنهادی دارند. (Poldma, 2009, 16)

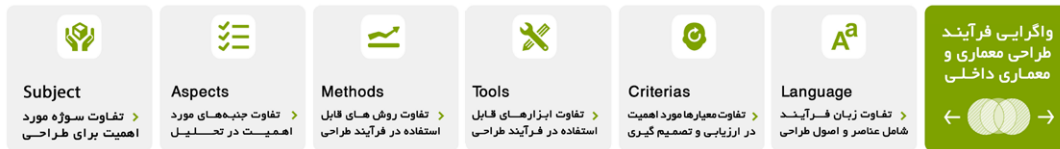
یکی از تفاوت‌های بسیار مهم میان طراحان، «شیوه‌ها و روش‌هایی»^۸ است که در برخورد با مسائل دارند. مثلاً طراحان رشته‌های گوناگون، ممکن است فناوری‌های متفاوتی بشناسند و از آن‌ها برای رسیدن به اهدافشان استفاده کنند. (Lawson, 2006, 10) طراحی شامل «ابزارهای»^۹ بالقوه‌ای است که می‌توان از آن برای حل مسائل طراحی استفاده کرد. برخی پروژه‌ها نیازمند همه این ابزارهای در دسترس اند، درحالی‌که بعضی دیگر، نیازمند موارد بخصوصی هستند. طراحان به روش‌های متفاوتی عناصر، مبانی و اصول طراحی را به کار می‌بندند. (Poldma, 2009, 28) درواقع این روش‌ها هر یک ابزارهایی در دست طراح قرار می‌دهند که می‌تواند از آن‌ها به‌عنوان محرک‌هایی برای سازمان‌دهی فضای طراحی استفاده کند. رابینسون و پرمین معتقدند یکی از تفاوت‌های «معماری» و «معماری داخلی» محدوده و مقیاس متفاوت کار بر روی موضوعات است. (Robinson & Parman, 2010, 241-245) با توجه به تفاوت روش‌ها، مقیاس و ماهیت موضوع طراحی طبیعی است که ابزارهای کار آن با هم متفاوت باشد.

پیشروی در طول طراحی شامل عمل نقد و انتخاب است که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های طول طراحی، ارزیابی و قضاوت‌های اولیه، یا ارزیابی راه‌حل و طرح پیشنهادی نهایی اتفاق بیفتد. (Poldma, 2009, 43-45) ارزیابی متضمن سنجش منتقدانه، تصمیم‌گیری و انتخاب نهایی است. (Lawson, 2006, 36-37) لازمه ارزیابی بازگشت به عقب و بررسی دوباره انطباق یا عدم انطباق تصمیم‌های اتخاذشده با مجموعه مفاهیم، اصول و ایده‌هایی است که در حال استفاده از آن هستیم. (Edwards, 2011, 101) درواقع اصولی که تصمیمات طراحی بر اساس آن‌ها سنجیده می‌شوند، «معیارهای»^{۱۰} سنجش ما هستند.

با توجه به نتایج قسمت قبل دریافتیم که در حوزه‌های گوناگون از معماری گرفته تا مهندسی و هنر ممکن است سوژه در مسئله طراحی متفاوت باشد و تخصص‌های گوناگون در برخورد با یک پروژه، از جنبه‌های متفاوتی به آن نگاه کنند. بر همین اساس آن‌ها شیوه‌ها و روش‌هایی گوناگون و ابزارهای متفاوتی در برخورد با مسائل دارند. بنابراین در حوزه‌های مختلف متناسب با جنبه‌ها، روش‌ها و ابزارهای مورد استفاده، نیازمند وجود معیارهای سنجش متناسبی نیز خواهیم بود.

Different Subject → Different Aspects → Different Tools → Different Methods
→ Different Criteria's

درنهایت اگر به محصول و راه‌حل‌های نهایی که طراحان حوزه‌های مختلف برای مسائل طراحی ارائه می‌دهند بنگریم متوجه می‌شویم هر یک ویژگی‌هایی متفاوتی دارند. روبرتو رنگل معتقد است: «مهندسان از علم خود برای دستیابی به راه‌حل‌های عملی و کاربردی بر پایه قوانین طبیعی فیزیک و سازندگان از دانش فنی خود برای ساخت پروژه‌های مختلف صنعتی استفاده می‌کنند. در این میان ویژگی برجسته طراحان و اختصاصاً معماران داخلی که مهندسان و سازندگان ساختمان آن را ندارند، دانش و توانایی برای خلق طرحی به زبان انسانی و در نزدیکی با نیازها و احساسات وی است» (Rengel, 2003, 4). درواقع طراحان حوزه‌های مختلف هر یک به «زبان»^{۱۱} ویژه خود تکلم می‌کنند که با وجود ریشه‌های زبانی مشترک، متفاوت از دیگری است. کلاویو ادورادز معتقد است دامنه‌ای از دانش و توانایی‌های ویژه باید توسط طراح در فرآیند خلق محیط‌های داخلی به کار بسته شود. قسمتی از این توانایی مبنایی، فهم زبان معماری داخلی است که منظور از آن، اصول و عناصر ویژه مورد استفاده است. می‌توان گفت فرآیند معماری داخلی دارای زبان بخصوصی در مقایسه با معماری است. آن‌چنان‌که بسیاری از معماران و نویسندگان اشاره کرده‌اند، تسلط به این زبان نیازمند آشنایی با الفبا و گرامر آن است که از آن تحت عنوان عناصر^{۱۲} و اصول^{۱۳} طراحی یادشده است. (Edwards, 2011, 80-82)



شکل ۷. مؤلفه‌های بروز واگرایی در فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی»
منبع: نگارندگان

برای یافتن جنبه‌ها و مصداق‌های دقیق‌تری از «همگرایی» و «واگرایی» فرآیند طراحی در «معماری» و «معماری داخلی» می‌توان به‌طور جداگانه و ریزبینانه‌تری در هرکدام از فازهای فرآیند، مؤلفه‌هایی را که امکان بروز واگرایی ایجاد می‌کند بررسی کنیم. (شکل ۷) برخی از این مؤلفه‌ها به‌طور خلاصه به این شرح هستند: سوژه مورد توجه (Subject) / جنبه‌های مورد توجه (Aspects) / روش‌های قابل استفاده (Methods) / ابزارهای قابل استفاده (Tools) / معیارهای ارزیابی و تصمیم‌گیری (Criteria's) / زبان طراحی (الفبا و دستور زبان طراحی) (Language)

فرآیند طراحی در معماری داخلی

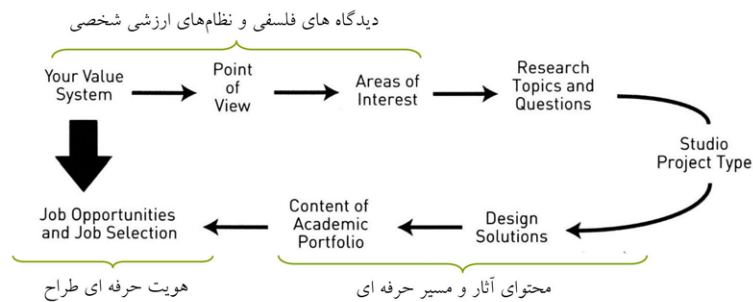
با توجه به گستردگی موضوع و محدودیت‌های این پژوهش، مطالعه موردی اولین قسمت فرآیند طراحی شامل مجموعه اقدامات پژوهشی پیش از آغاز طراحی، برای این مهم انتخاب شد. از این مرحله فرآیند طراحی معمولاً تحت عنوان فاز «برنامه‌ریزی»^{۱۴} نام برده می‌شود و یکی از محوری‌ترین فازهای فرآیند طراحی است که زیربنای شکل‌گیری طرح نهایی را مهیا می‌سازد. اگرچه باید موازنه‌ای از آمیزش پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات در هر مرحله از این راه طولانی وجود داشته باشد، اما هسته اصلی فرآیند پژوهش در فاز زیربنایی «برنامه‌ریزی»، جای دارد. این اقدام پژوهشی آغازین طراحی، ادامه استوار و موفق فرآیند طراحی را تضمین می‌کند. (Robinson, Parman, 2010, 6-7) (شکل ۸)



شکل ۸. جایگاه حضور پژوهش در طول فرآیند طراحی
منبع: Robinson, Parman, 2010, 8

با پیدایش اصطلاح برنامه‌ریزی معماری توسط کادیل و پنا؛ جمع‌آوری اطلاعات، روش‌های پژوهشی، تحلیل و سایر جنبه‌های برنامه‌ریزی فرآیند، وارد حرفه معماری داخلی نیز شد. استفاده از پژوهش به‌عنوان ابزاری در فرآیند طراحی، می‌تواند به پاسخ‌دهی موفق به مسائل و نیازهای اختصاصی هر پروژه کمک کرده و طراحی را از قرار گرفتن در مسیر تشابه با پروژه‌های دیگر دور کند؛ چرا که در این فرآیند به طرح‌هایی اولویت بخشیده می‌شود که به دلایل محکمی برای هر تصمیم‌گیری استوار هستند. (Robinson, Parman, 2010, 4-5)

در اثر برهم‌کنش بسیاری از عوامل مختلف تأثیرگذار بر طراح (پژوهشگر)، که مهم‌ترین آن مسیر حرفه‌ای شکل یافته طی دوران آموزشی و پس‌زمینه تفکر متفاوت معماری و معمار داخلی است، شخصیت‌های متفاوتی با طرز تفکر- تصمیم‌گیری متفاوت خلق می‌شوند؛ که دارای زاویه‌ای در «نظام‌های پژوهش (چگونگی تحقیق و ارزیابی)»، «نظام‌های شخصی (شامل نظام‌های ارزشی، دیدگاه‌های فردی و فرضیات)»^{۱۵}، «اصول راهنما»^{۱۶} و دیدگاه‌های فلسفی^{۱۷} هستند. (Robinson, Parman, 2010, 50-74) از سوی دیگر «معماری» و «معماری داخلی» به دلیل برخی تفاوت‌ها و تمایزات ماهوی و ساختاری که پیش‌تر در مورد آن صحبت شد، موجب بروز همگرایی‌ها و واگرایی‌هایی در فرآیند طراحی می‌شوند. از همین رو محتمل است برنامه‌ریزی پژوهش که بر همین اساس استوار است، میان دو فرد معمار و معمار داخلی با هم متفاوت باشد. (شکل ۹)



شکل ۹. تأثیر غیرمستقیم نظام‌های آموزش، پژوهش و شخصی بر راه‌حل‌های طراحی
منبع: Robinson, Parman, 2010, 74

پژوهش در طراحی عمدتاً در دو فاز پیش‌فرآیند^{۱۸} (تحت عنوان ساختارمند کردن^{۱۹}) و فاز اول فرآیند (تحت عنوان برنامه‌ریزی) محقق می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد از این دو فاز در بسیاری از منابع تحت عنوان اقدامات مبتنی بر «تحلیل^{۲۰}» (تفکیک) یاد می‌شود که در مقابل فازهای مبتنی بر «ترکیب^{۲۱}» قرار می‌گیرد. گام‌های این قسمت از فرآیند طراحی که به ترتیب هریک را مورد بررسی قرار خواهیم داد، در جدول ۲ مشاهده می‌شود:

جدول ۲. گام‌های پژوهش، در فرآیند طراحی

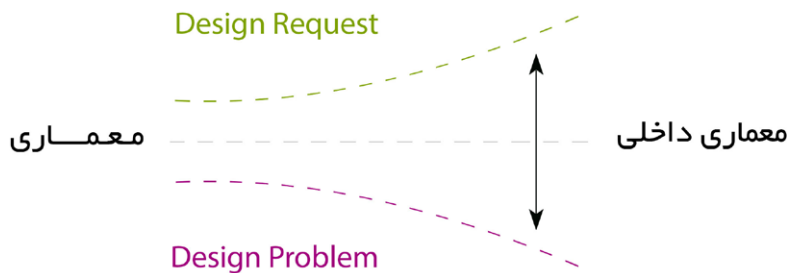
منبع: نگارندگان

زمان اقدام	نوع اقدام	فازبندی کلی	جزء مراحل در فرآیند طراحی
Pre-Process پیش از فرآیند	Analysis تحلیل (واسازی)	Formulating ساختارمند کردن	Problem Statement / Commit ارجاع / طرح مسئله
			Understanding فهم مسئله
Design Process فرآیند طراحی		Programming برنامه‌ریزی	Information Gathering جمع‌آوری اطلاعات
			Analysis & Interprets تحلیل و تفسیر اطلاعات
			Establish Parameters مشخص کردن پارامترها
			Design Program تدوین برنامه طراحی
			Framing بررسی از زوایا جدید

• ارجاع / طرح مسئله^{۲۲}

مسئله‌های طراحی وقتی بروز می‌کنند که مشکلی برای حل شدن، به طراح ارجاع داده شود. (Poldma, 2009, 10) در واقع در طراحی، معمولاً مسئله نه از ذهن طراح بلکه از خواست کارفرما سرچشمه می‌گیرد. مسئله طراحی را ولو به‌طور مبهم، ابتدا کارفرما مطرح و بیان می‌کند. (Lawson, 2006, 84) این‌گونه طرح مسئله از سوی کارفرما، معمولاً «خواسته طراحی»^{۲۳} نامیده می‌شود. طراح برای آغاز پروژه نیاز دارد تا بدانند دقیقاً به چه دلایلی طراحی باید انجام شود. در ملاقات اول با کارفرما، بسته به گستره و اندازه و ماهیت کار، طراح ممکن است یک برنامه اجمالی طراحی یا یک شرح از نیازها دریافت کند. در معماری داخلی بسیار محتمل است که حتی چیز روشنی به طراح ارائه نشود (Poldma, 2009, 65) همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در معماری داخلی «مسئله اصلی»^{۲۴} که باید حل شود معمولاً به‌طور آشکار خود را نشان نمی‌دهد و در پس لایه‌هایی قرار دارد که باید توسط طراح، مورد پژوهش قرار گرفته تا غربال شده و از نشانه‌ها و آثار جانبی‌اش تفکیک و کشف گردد. به‌عبارت‌دیگر در

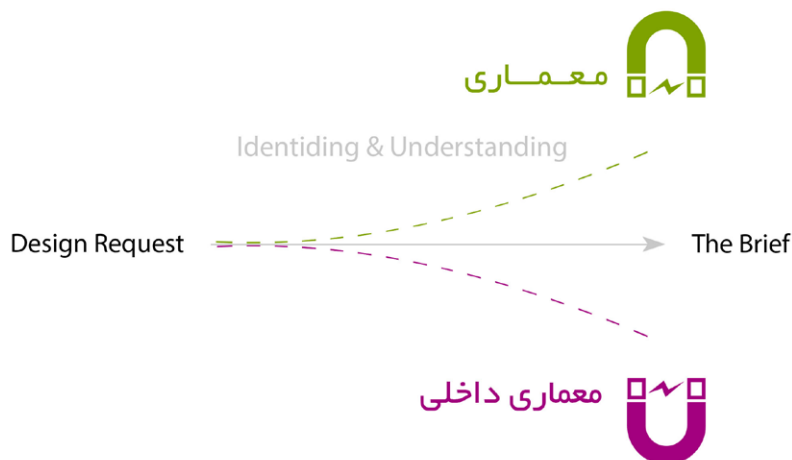
معماری داخلی محتمل‌تر است که «خواستۀ طراحی» متفاوت از «مسئله اصلی طراحی» باشد. این واگرایی میان «معماری» و «معماری داخلی» به تفاوت نیازها، شرایط و زمینه‌های خاص معماری داخلی برمی‌گردد و سبب عدم شفافیت در تشخیص سوژه مورد توجه در طراحی می‌شود. (شکل ۱۰)



شکل ۱۰. واگرایی «خواستۀ طراحی» و «مسئله اصلی طراحی» در معماری داخلی
منبع: نگارندگان

● فهم مسئله^{۲۵}

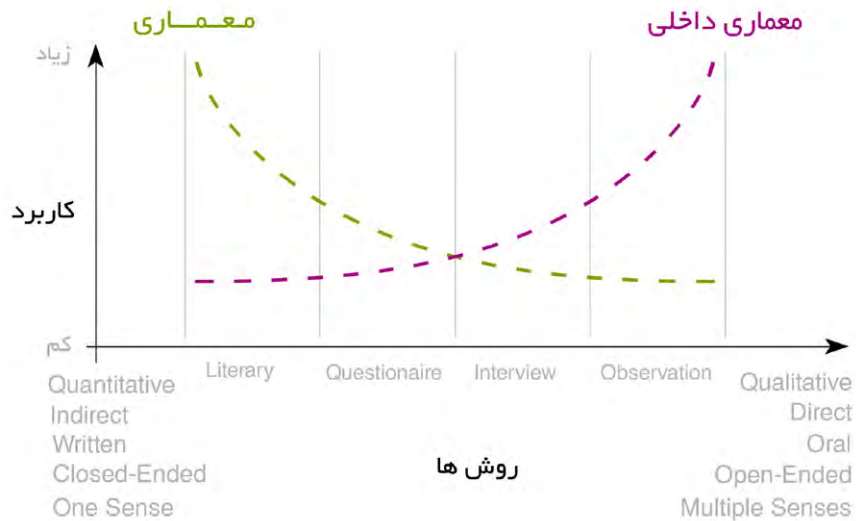
طراحی معمولاً با یک شرح موضوع^{۲۶} شروع می‌شود. مسلماً طراح در این مرحله نسبت به بازتعریف مسئله برای خویش اقدام می‌کند تا فهم کاملی نسبت به مسئله طراحی پیدا کند. روشن است که مطالعه راه‌حل‌های طراحی بدون رجوع به مسئله‌ها بی‌معنا است. لذا طراحی همان‌قدر به یافتن مسئله مربوط است که به یافتن راه‌حل آن مسئله. این بدین معنی است که برای ارائه یک راه‌حل طراحی صحیح، نیاز است به شناخت درستی از مسئله طراحی رسید. (Lawson, 2006, 116-118, 291) همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، معمار و معمار داخلی به دلیل زاویه‌ای که در «نظام‌های پژوهش (تحقیق و ارزیابی)»، «نظام‌های شخصی (شامل نظام‌های ارزشی، دیدگاه‌های فردی و فرضیات)»، «اصول راهنما» و دیدگاه‌های فلسفی دارند، از پس‌زمینه تفکر طراحی متفاوتی برخوردار می‌شوند. این پس‌زمینه تفکر متفاوت می‌تواند جنبه‌های تحلیل و معیارهای ارزیابی و تصمیم‌گیری فرد در طول فرآیند طراحی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین بسیار محتمل است که دو فرد با جنبه‌های تحلیل و معیارهای متفاوت ارزیابی و تصمیم‌گیری در فرآیند (چه طراح معمار و طراح داخلی، چه طراحان سایر حوزه‌ها)، نوع برخورد متفاوت و انجام تشخیص^{۲۷} متفاوتی از یک مسئله طراحی واحد داشته باشند که سفارش طراحی را در دو مسیر مجزا برای پاسخگویی در فازهای آینده فرآیند هدایت کند. (شکل ۱۱)



شکل ۱۱. واگرایی فهم از یک مسئله طراحی واحد و قرارگیری سفارش در دو مسیر مجزا برای پاسخگویی
منبع: نگارندگان

• جمع‌آوری اطلاعات^{۲۸}

در این گام از فرآیند، طراح به کمک ابزارها و روش‌های مختلف، نسبت به جمع‌آوری اطلاعات کاملی پیرامون موضوع طراحی از منابع درست، به شکل هدفمند اقدام می‌کند. فرآیند جمع‌آوری و تحلیل زود هنگام داده‌ها به سود تصمیمات طراحی خواهد بود و نیاز به بازطراحی‌های دوباره را می‌کاهد. (Edwards, 2011, 92) ما برای جمع‌آوری اطلاعات تنها به یکی از حواس خود (همچون شنوایی، لامسه، بینایی و ...) وابسته نیستیم و می‌توانیم از همه آن‌ها استفاده کنیم. استفاده صحیح و دقیق از همه حواس، کیفیت اطلاعات جمع‌آوری شده را دوچندان می‌کند. در معماری داخلی اطلاعات کیفی (مانند عقاید، احساسات و باورها) نسبت به اطلاعات کمی (داده‌های آماری) اهمیت بیشتری دارند. رابینسون و پارمن معتقدند: «هرچه روش‌های جمع‌آوری اطلاعات بر پایه‌های محکم‌تری جهت استناد قرار داشته باشند، در معماری داخلی نیز پرکاربردتر خواهند بود.» (Robinson, Parman, 2010, 121-125) به‌طور خلاصه می‌توان گفت مبنای اصلی واگرایی در این گام از فرآیند، ابزارها و روش‌هایی است که طراح از آن‌ها استفاده می‌نماید. از سوی دیگر همان‌طور که گفته شد با توجه به اهمیت اطلاعات کیفی (شامل عقاید، احساسات و باورها) نسبت به اطلاعات کمی (داده‌های آماری) در معماری داخلی، روش‌هایی که چنین اطلاعاتی را به شکل دقیق‌تری بدست دهند، مستندتر و متعاقباً پرکاربردتر هستند. بدین ترتیب در معماری داخلی روش‌های مستقیم‌تر نسبت به غیرمستقیم، روش‌های با ایفای نقش محوری‌تر توسط خود طراح نسبت به روش‌های با حضور واسطه (چه فرد یا ابزار)، روش‌های متکی به حواس قوی‌تر^{۲۹} نسبت به روش‌های متکی به حواس ضعیف‌تر از اهمیت بیشتری برخوردار خواهند بود. (شکل ۱۲)



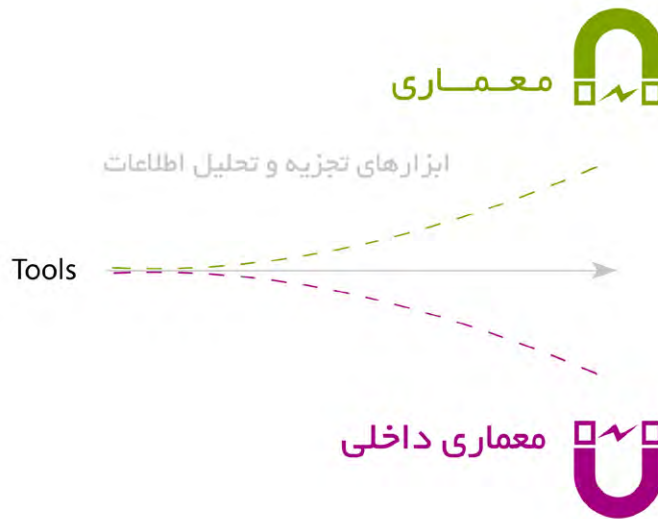
شکل ۱۲. میزان کاربرد و کارایی روش‌های مختلف جمع‌آوری اطلاعات در «معماری» و «معماری داخلی»
منبع: نگارندگان

• تحلیل و تفسیر اطلاعات^{۳۰}

اطلاعاتی که طراح یا پژوهشگر در مرحله جمع‌آوری اطلاعات کسب می‌کند، داده‌های خامی هستند که برای استفاده، باید در مراحل بعدی مورد پردازش قرار گیرند. در این گام از فرآیند طراح با پردازش اطلاعات خام جمع‌آوری‌شده، از طریق تجزیه، تحلیل و تفسیر به جمع‌بندی‌هایی جهت استفاده در گام‌های بعدی دست پیدا می‌کند. ابزارهای تجزیه و تحلیل را می‌توان به دو گونه «شفاهی» و «بصری» تقسیم‌بندی کرد. ابزارهای «شفاهی» / روایی^{۳۱} مرتبط با آن چیزی هستند که توسط افراد دخیل در پروژه گفته شده است؛ که می‌تواند از راه‌هایی همچون مصاحبه‌های مکتوب شده، گفت‌وگوهای ضبط‌شده و مشاهدات مستندسازی شده جمع‌آوری شده باشد و بیشتر جنبه تجزیه و سازمان‌دهی اطلاعات را دارد. ابزارهای بصری / شماتیک^{۳۲} جهت تحلیل اطلاعات سازمان‌دهی

شده حاصل از پژوهش به کار می‌روند. تحلیل به معنی برقراری ارتباط بین تفاسیر رمزگشایی‌شده از صحبت‌های کارفرما، واقعیات، ملزومات فضا، بستر و کاربر ساختمان است. (Poldma, 2009, 83-86)

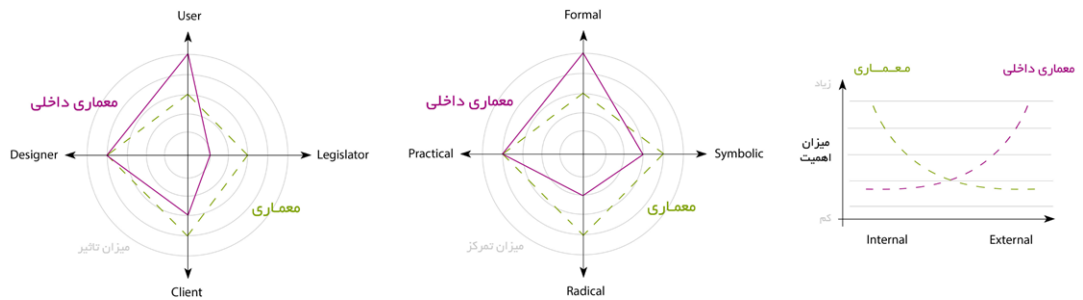
از آنجاکه «معماری» و «معماری داخلی»، دارای جنبه‌های متفاوتی از یکدیگر هستند؛ هنگام هرگونه فعل تحلیلی این تفاوت‌ها خودنمایی نموده و واگرایی در فرآیند رخ می‌دهد. تعدادی از ابزارهای مورد استفاده در تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت عام توسط طراحان چه در معماری و چه در معماری داخلی مورد استفاده واقع می‌شوند، اما برخی دیگر از ابزارهای تجزیه و تحلیل اطلاعات در معماری داخلی، مرتبط با دانش تخصصی و محتوای متفاوت آن بوده و به طور ویژه مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای نمونه «اینونتر لیست^{۳۳}» و «دسته‌بندی الزامات و نیازهای فضایی^{۳۴}»، «نقشه رفتار فضایی^{۳۵}» «تصویرسازی^{۳۶}» درجه^{۳۶} و ... برخی از این ابزارها هستند که اختصاصاً توسط معمار داخلی در طول فرآیند طراحی یک فضای داخلی تهیه می‌شوند. (شکل ۱۳)



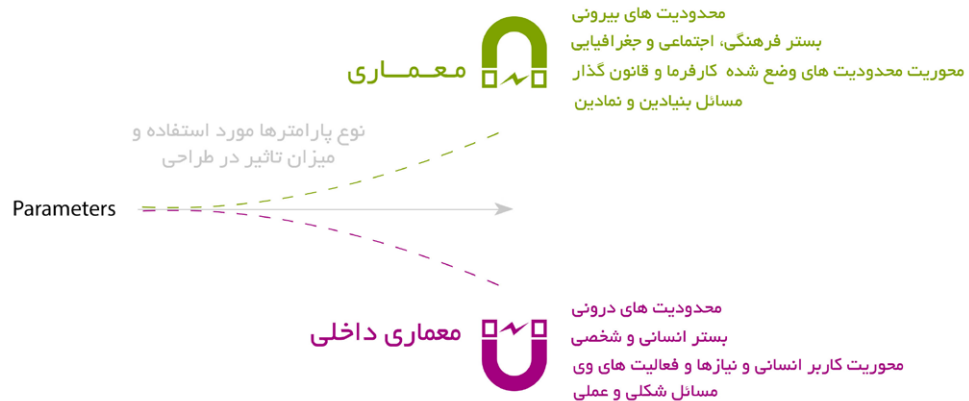
شکل ۱۳. واگرایی در فرآیند «معماری» و «معماری داخلی» به دلیل جنبه‌ها و ابزارهای متفاوت تجزیه و تحلیل منبع: نگارندگان

● مشخص کردن عوامل موثر^{۳۷}

برای دستیابی به شناخت صحیح و کامل نسبت به مسئله‌ای که باید حل شود، لازم است طراح کلیه عوامل موثر در طراحی را شناسایی و ویژگی‌های آن‌ها را به درستی بشناسد؛ تا مشخص شود هرکدام چگونه در فرآیند تأثیر می‌گذارند. (Lawson, 2006, 292) برخی عوامل موثر در طراحی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در طراحی تأثیر می‌گذارند. «قانون‌گذار»، «استفاده‌کننده»، «کارفرما» و «طراح»، چهار عامل اصلی موثر بر طراحی هستند. برخی عوامل موثر بر مسئله طراحی نسبت به آن درونی و برخی بیرونی اند. مواردی مثل برنامه فیزیکی، سیرکولاسیون و حوزه‌بندی‌ها درونی و مواردی مثل عوامل محیطی، جغرافیایی و زمین بیرونی اند. لاوسن این عوامل را به شکل دیگری نیز دسته‌بندی کرده و در قالب چهار گروه نمادین، شکلی، بنیادین و عملی قرار می‌دهد. (Lawson, 2006, 90-96) با توجه به تغییر دامنه موارد محوری در «معماری» و «معماری داخلی»، دامنه عوامل موثر در طول فرآیند نیز تفاوت می‌کند. برای نمونه می‌توان گفت در معماری داخلی عوامل موثر درونی تأثیرگذارتر و تعیین‌کننده‌تر از عوامل موثر بیرونی هستند. به عبارت دیگر در معماری داخلی، مسائل کلی مرتبط با سایت، جامعه، قانون‌گذار و ... کم‌رنگ‌تر از مسائلی مانند نیازها و خواسته‌های کاربر، ارگونومی و ... هستند. بنابراین می‌توان این واگرایی در فرآیند را، تحت عنوان «نوع عوامل موثر و میزان تأثیر آن‌ها در طراحی» دانست. (شکل‌های ۱۴ و ۱۵)



شکل ۱۴. تفاوت میزان و دامنه اهمیت و تأثیر عوامل مختلف در فرآیند طراحی
منبع: نگارندگان



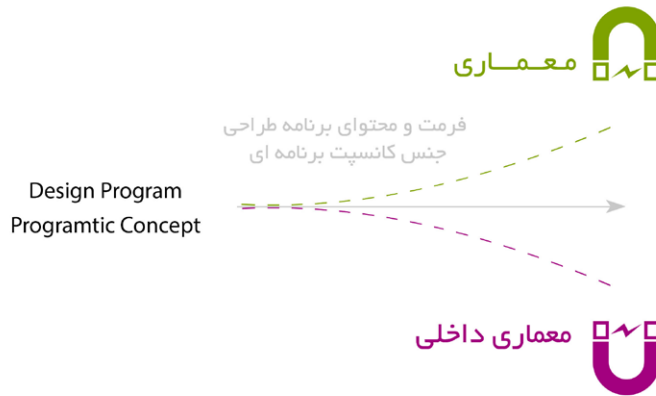
شکل ۱۵. واگرایی فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» در عوامل موثر و میزان تأثیر آنها
منبع: نگارندگان

● تدوین برنامه طراحی^{۳۸}

در این گام از فرآیند، طراح نسبت به مدون سازی شناخت مسئله و تدوین راهنماهایی برای استفاده در طول فرآیند در قالب یک «برنامه طراحی» اقدام می‌کند. سپس راهبردهای اولیه‌ای برای حل آن‌ها در قالب «کانسپت‌های برنامه‌ای» ارائه می‌دهد. برنامه‌ریزی مرحله‌ای از فرآیند طراحی است که پلی میان پژوهش و طراحی خوب به وجود می‌آورد تا خلأ میان این دو^{۳۹} را پوشش دهد. بنابراین ماهیت برنامه‌ریزی، مدون سازی شناخت مسئله طراحی و فراهم کردن راهبردهایی برای حل آن^{۴۰} است. (Robinson, Parman, 2010, 265-267) انواع برنامه‌ریزی را بر اساس رویکرد می‌توان به دو دسته برنامه‌ریزی فعالیت محور^{۴۱} و برنامه‌ریزی فضا محور^{۴۲} تقسیم نمود. برنامه‌ریزی فضا محور به معنی تعریف فضا بر اساس نوع کاربری آن و برنامه‌ریزی فعالیت محور به معنی تعریف فضا بر اساس فعالیت‌ها، رفتارهای قابل انجام در آن است. برنامه‌ریزی فعالیت محور در معماری داخلی نسبت به معماری به‌طور گسترده‌تری مورد استفاده است. فرمت‌های گوناگونی برای برنامه پروژه وجود دارد. در معماری داخلی مدرک برنامه‌ریزی یک برگ گسترده^{۴۳} است درحالی‌که ممکن است به‌صورت فهرستی از نکات کلیدی^{۴۴} یا یک روایت توصیفی^{۴۵} نیز باشد. (Robinson, Parman, 2010, 295-296) کتاب ریسرچ اینسپایرد دیزاین برخی از کانسپت‌های برنامه‌ای قابل ارائه در معماری داخلی همچون اتمسفر و کاراکتر فضا، دسته‌بندی فعالیت‌ها، دسته‌بندی افراد، ارتباطات، انعطاف‌پذیری، آسایش و ... را برمی‌شمارد که طراح با توجه به نظام فکری ممکن است تمایل به استفاده از هر نوع از آن‌ها داشته باشد.

در این مرحله از فرآیند نیز، با توجه به تأثیر قالب نیازها، شرایط و زمینه‌های خاص معماری داخلی، واگرایی‌هایی میان فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» اتفاق می‌افتد. بر همین اساس فرمت و محتوای برنامه طراحی

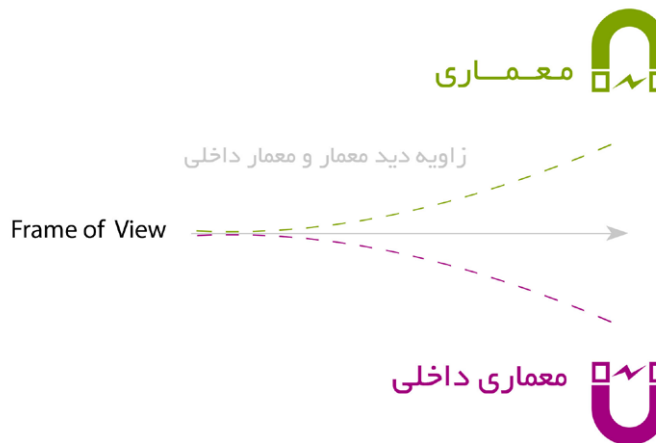
متفاوت می‌شود. از سوی دیگر این مرحله همراه با ارزیابی کلیه اقدامات و موارد حاصله طی گام‌های قبلی و اتخاذ تصمیماتی برای گام‌های بعدی همراه است. می‌توان گفت به دلیل تفاوت معیارهای ارزیابی و تصمیم‌گیری در فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی»، تفاوت در جنس کانسپت‌های برنامه‌ای مورد استفاده این دو نیز قابل پیش‌بینی است. (شکل ۱۶)



شکل ۱۶. واگرایی فرآیند طراحی معماری و معماری داخلی در فرمت و محتوای برنامه طراحی و کانسپت برنامه‌ای
منبع: نگارندگان

• بررسی از زوایای جدید^{۴۶}

در هر فرآیند طراحی، هنگام جست‌جو در «فضای راه‌حل» معمولاً یک ایده سریع‌الظهور «راه‌حل‌گرا» وجود دارد. ایده‌ای که یک فرم پیشنهادی از راه‌حل ارائه می‌دهد و سپس تأثیرات ضمنی آن بررسی می‌شود. (Lawson, 2006, 277) در واقع بهترین راه برای واکاوی همه‌جانبه پتانسیل کانسپت استفاده‌شده، تلاش برای مشاهده و بررسی دوباره آن از تمام زوایای ممکن است. (Poldma, 2009, 162) در این گام از فرآیند، بازگشتی دوباره و سریع به هرکدام از گام‌های طی شده پیشین فرآیند اتفاق می‌افتد و با تحلیل دوباره از جنبه‌های مختلف، ارزیابی و تصمیم‌گیری مجددی بر اساس معیارهایی متفاوت رخ می‌دهد. از آنجاکه مسئله‌های طراحی از زوایای گوناگون ممکن است متفاوت به نظر برسند، مهم است که طراح می‌خواهد از چه زاویه‌ای به مسئله نگاه کند. بنابراین واگرایی فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» در این مرحله را می‌توان، بر متأثر از تفاوت «زاویه دید» معمار و معمار داخلی نسبت به مسائل دانست. (شکل ۱۷)



شکل ۱۷. واگرایی فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» در زاویه دید به مسائل
منبع: نگارندگان

جدول ۳ به مرور هر کدام از جزء مراحل فرآیند طراحی (در ستون اول از سمت چپ) پرداخته و به‌طور خلاصه محتوای هر مرحله را (در ستون دوم) و محصول نهایی آن را (در ستون سوم) بیان می‌کند. سپس به ارائه مؤلفه‌ی مبنا در واگرایی فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» (در ستون چهارم) و نوع آن (در ستون پنجم) می‌پردازد.

جدول ۳. ماهیت هر یک از جزء مراحل واگرایی فرآیند طراحی داخلی در «معماری» و «معماری داخلی»

منبع: نگارندگان

نوع واگرایی	مؤلفه مبنا در واگرایی	محصول این مرحله	محتوای عمل در این مرحله	جزء مراحل در فرآیند طراحی
تفاوت و فاصله میان خواسته و مسئله اصلی طراحی	چگونگی یافتن مسئله	Design Problem تبیین مسئله‌های طراحی	خواسته اولیه طرح: تغییر کاربری یا بهسازی	Finding Problem مراتب یافتن مسئله
برخورد و فهم متفاوت «معماری» و «معماری داخلی» از مسئله‌های طراحی	معیارهای ارزیابی و تصمیم‌گیری در یافتن راهکارهای حل مسئله	Design Brief شرح موضوع طراحی Solving Problem	مسئله کلان طراحی در نسبت مسئله‌های خرد	Defining/ Understanding Different aspects فهم و تعریف ابعاد مختلف مسئله‌های طراحی
تفاوت در ساختار، نوع و شکل روش‌های داده‌ستانی	ابزارها / روش‌ها	Overview / Sources / Direction & Topical Focus / Raw Data دید اجمالی / منابع / جهت و نقطه تمرکز داده‌یابی / خواسته‌ها، فعالیت‌ها در وضع مطلوب	نقش کیفیت داده‌ها در عمق مسئله‌های طراحی از ساده تا پیچیده	Detail of Data Gathering and Process بررسی جزئیات داده‌ها
ابزارهای متفاوت قابل استفاده / تفاوت شیوه تحلیل و تفسیر داده‌ها	ابزارها / جنبه‌های تحلیل	Statement Design جمع‌بندی / بیانیه طرح	پردازش داده‌ها	Analysis & Inter- prets تحلیل و تفسیر داده‌ها در نسبت با هم
تفاوت نوع عوامل موثر و میزان برهم‌کنش مسئله‌ها	زبان فرآیند / تحقق راهکارها	Main/ Significant Parameters عوامل شاخص و مهم تأثیرگذار	برجسته‌سازی و بررسی عوامل موثر و تعیین‌کننده در طراحی	Establish Parameters تبیین عوامل موثر در شبکه مسئله‌ها
صورت‌بندی و محتوای متفاوت برنامه طراحی / در زمینه تفکر طراحی	معیارهای ارزیابی و تصمیم‌گیری	Design Thinking ابعاد تفکر طراحی	مدون سازی شناخت مسئله، فراهم کردن راهبردها و ایده‌هایی طرح نهایی	Design Program تدوین برنامه طراحی
زاویه دید متفاوت معمار و معمار داخلی در حل مسائل	جنبه‌های تحلیل / معیارهای ارزیابی و تصمیم‌گیری	Problem Solving Frame زاویه دید حل مسئله	بررسی جزئیات مسئله نگری از زوایای جدید	Framing بررسی جامعیت طرح از زوایای جدید

نتیجه‌گیری

با مقایسه یک‌به‌یک فازهای فرآیند طراحی معماری و فرآیند طراحی معماری داخلی در نمودارهای مختلف (از یک مقیاس کل‌نگر)، این نتیجه حاصل شد که شباهت‌ها بیش از تفاوت‌ها خودنمایی می‌کنند. در حقیقت علیرغم وجود اصطلاحات متعدد یا عناوینی گوناگون برای هر فاز فرآیند، یا دید تلفیقی به برخی مراحل فرآیند، فازبندی فرآیند طراحی در تقسیم‌بندی و شمای کلی بسیار مشابه بوده و حتی از منظر فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» در این مقیاس کلی، تفاوت اساسی آشکار نمی‌شود. به عبارتی الگوی عمومی فرآیند طراحی یکسان است و تفاوتی میان فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» در مقیاس فازبندی و مرحله‌بندی کلی آن اتفاق نمی‌افتد. مطالعه و بررسی ویژگی‌ها و ماهیت وجودی «معماری» و «معماری داخلی» و زمینه‌های پیدایش آن‌ها مشخص

نمود از آنجاکه معماری داخلی به شکل امروزی، حاصل درهم‌آمیختگی معماری و سایر هنرها است، برخی از اصول و ویژگی‌های خود را از آن‌ها به ارث برده و همین مسئله سبب بروز همپوشانی‌هایی میان «معماری» و «معماری داخلی» شده است. هر دو از مقوله دیزاین بوده و میان‌دانشی هستند؛ هر دو در مسیر حل یک مسئله از فرآیند طراحی استفاده می‌نمایند. هر دو با مردم سروکار داشته و برای آنان طراحی می‌کنند. اما از سوی دیگر با ایجاد تمایز تدریجی و تفکیک به عنوان دو رشته و حرفه تخصصی، تفاوت‌ها و تمایزات عمده‌ای حاصل شده که سبب فاصله گرفتن آن‌ها از هم نیز شده است.

با مقایسه شباهت‌های الگوی عمومی فرآیند طراحی و همپوشانی‌های میان «معماری» و «معماری داخلی» از یک سو و تفاوت‌ها و تمایزات ساختاری بین آن‌ها از سوی دیگر این نتیجه حاصل شد که «همپوشانی‌ها» و «تمایزات» معماری و معماری داخلی در فرآیند طراحی به صورت «همگرایی» و «واگرایی» بروز می‌کنند. همگرایی و واگرایی که می‌توان آن را در مؤلفه‌های زیر جست‌وجو نمود:

- سوژه مورد توجه در طراحی (Subject)
 - جنبه‌های مورد توجه در تحلیل (Aspects)
 - روش‌های قابل استفاده در فرآیند (Methods)
 - ابزارهای قابل استفاده در فرآیند (Tools)
 - معیارهای ارزیابی و تصمیم‌گیری (Criteria's)
 - زبان طراحی (الفبا و دستور زبان طراحی) (Language)
- بررسی جزءنگرانه‌تر اتفاقات و فعل و انفعالات طراحانه‌ای که در هر کدام از فازها یا جزء مراحل فرآیند طراحی رخ می‌دهد، مصداق‌های دقیق‌تر و ملموس‌تری از همگرایی‌ها و واگرایی‌های فرآیند طراحی در «معماری» و «معماری داخلی» نشان داد که شامل «تفاوت‌های محتوایی»، «مؤلفه مبنا در واگرایی» و «نوع واگرایی» در هر مرحله می‌شود.

در نهایت می‌توان گفت فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» با توجه به الگوی عمومی یکسانی که دارند، نه دارای همپوشانی و تمایز بلکه دارای نقاط همگرایی و واگرایی هستند که در مسیر فرآیند گاه نزدیک و گاه از یکدیگر دور می‌شوند. نقاط واگرایی فرآیند طراحی «معماری» و «معماری داخلی» در سوژه، جنبه‌ها، روش‌ها، ابزارها، معیارها و ویژگی‌های زبانی است که در هر یک از جزء مراحل آن اتفاق می‌افتد. کسب شناخت بهتر از این مسیر، ضمن ارتقاء آگاهی و تعمیق نگرش به روش‌شناسی و جایگاه فرآیند طراحی در معماری داخلی کمک می‌کند تا با بینش و دید وسیع‌تری به پژوهش یا طراحی بپردازیم.

پی‌نوشت‌ها

1. Problem Solving (طراحی مسئله محور)
2. Disegno
3. Procedere
۴. برای دریافت توضیحات جامع و تکمیلی پیرامون مقایسه نمودارهای فرآیند، می‌توانید به پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد امین رفعتی با عنوان «بازشناسی فرآیند طراحی در معماری داخلی» به راهنمایی دکتر نادیه ایمانی در دانشگاه هنر رجوع کنید.
5. Subject
6. Molds to Appropriate Needs, Circumstance & Contexts
7. Aspects
8. Methods
9. Tools
10. Criteria's
11. Language
12. Design Elements
13. Design Principles
14. Programming
15. Personal Values

16. Guiding Principles
17. Philosophical Approachs
18. Pre-Process
19. Formulating
20. Analysis
21. synthesis
22. Problem Statement / Commit
23. Design Request
24. Design Problem
25. Understanding
26. The Brief
27. Identify
28. Information Gathering

۲۹. منظور نوعی از فرآیند دریافت اطلاعات از محیط است که غنای بالاتری داشته باشد. به این معنی که مبتنی بر حواس قوی‌تر و محرک‌های چندحسی و همسو بوده و کیفیت بالاتری داشته باشد.

30. Analysis & Interprets
31. Verbal/Narative
32. Visual/Shematic
33. Inventory List
34. Charting Needs & Space Requirments
35. Mapping Dynamic Movment and Experiences in Space
36. 360 Degree Capture & Collage
37. Establish Parameters
38. Design Program
39. Synthesis Gap
40. Strategies to Solve
41. Activity-Based Programing
42. Spatially-Based Programming
43. Spreadsheet
44. Bulletpoints
45. Descriptive Narrative
46. Framing

فهرست منابع

- Alexander, C. (1971). *Notes on the Synthesis of Form*, Cambridge: MA, Harvard University Press.
- Ballast, D. K. (2010). *Interior Design Reference Manual: Everything You Need to Know to Pass the NCIDQ Exam*, Belmont: CA, Professional Publications.
- Bingeli, C., (2007). *Interior Design: A Survey*, INC: J. Wiley & Sons.
- Cherry, E. (1999). *Programming for Design*, New York: John Wiley.
- Dodsworth, S. (2009). *The Fundamentals of Interior Design*, Worthing: AVA Academia, Lausanne.
- Dresser, C. (1977). *The Art of Decorative Design*, New York: Garland.
- Edwards, C. (2011). *Interior Design: A Critical Introduction*, Oxford, New York: Berg.
- Emmit, S. (2007). *Design Management for Architects*, Blackwell Publishing.
- Ganshirt, C. (2007). *Tools for Ideas: An Introduction to Architectural Design*, Berlin: Birkhauser.
- Harwood, A. B. (1991). Comparing the Standards in Interior Design and Architecture to assess Similarities and Differences, *Journal of Interior Design Education and Research*, 7(1). 5-18.

- Ireland, J. (2009). *History of Interior Design*, Inc.: Fairchild.
- Knackstadt, M. (1995). *Interior design and beyond: Art, Science, Industry*, New York: Wiley and Sons.
- Kribel, T. M., Bird, S. & Sherman, D.J. (1991). Defining Interior Design Programming, *Journal of Interior Design*, 17(1), 29-36.
- Kruft, H. (1994). *A History of Architectural Theory: From Vitruvius to the Present*, New York: Princeton architectural Press.
- Lawson, B. (2006). *How Designers Think*, Oxford, Burlington, MA: Elsevier/Architectural.
- Lawson, B. (1994). *Design in Mind*, Oxford: Butterworth Architecture.
- Love, T. (2000). Philosophy of Design: a Meta-Theoretical Structure for Design Theory, *Design Studies*, 3(21), 293-313.
- Oxford Dictionary, (Online Website) (Visited April 2016), Available from: <http://www.oxforddictionaries.com/>
- Pena, W., & Parshall, S. A. (2001). *Problem Seeking: An Architectural Programming Primer*, New York: John Wiley.
- Pile, J. (2007). *Interior Design*, NJ: Pearson Education Inc.
- Pile, J. & Gura, J. (2014). *A history of interior design*, NJ: Wiley & Sons.
- Poldma, T. (2009). *Taking up Space*, New York: Fairchild Books.
- Rengel, R. (2003). *Shaping Space*, New York: Fairchild Books.
- Robinson, L. & Parman, A. (2010). *Research-Inspired Design: A Step-by-Step Guide for Interior Designers*, New York: Fairchild Books.
- Whitney, M. C. (2008). A History of the Professionalization of Interior Design, Dissertation for the degree of PhD., In Environmental Design and Planning, Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University.
- Zeisel, J. (2006). *Inquiring by Design* (Rev. Ed.), New York: W.W. Norton & Company.

نحوه ارجاع به این مقاله

رفعتی، امین و ایمانی، نادیه (۱۴۰۳). بازشناسی فرآیند طراحی در معماری داخلی. *اندیش‌نامه معماری داخلی*، ۳(۳)، ۸۸-۱۰۸.

Rafati, A. and Imani, N. (2025). Recognition of Design Process of Interior Architecture. *Andišnāme-ye Me'māri-ye Dāxeli*, 3(3), 88-108.



Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)